



In search of the Meaning of Suffering Exploring the Lived Experiences of Sexual Assault Victims in Iran

Mohammad Abbaszadeh ¹ | Fatemeh Ranjbar ² | Masomeh Kazempour ³

1. Member of the Urban and Rural Sociology Research Group, Institute for Social Research, Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: m-abbaszadeh@tabrizu.ac.ir
2. Research Center of Psychiatry and Behavioral Sciences, Tabriz university of medical sciences, Tabriz, Iran. Email: fk_ranjbar@yahoo.com
3. Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: kazempou@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 16 December 2024 Received in revised form: 21 May 2025 Accepted: 14 July 2025 Published online: Keywords: Gender inequality, Mother, Passivity and submission, Phenomenology, Sexual Assault, Sexual violence	Violence can be analyzed from a sociological perspective as a behavior that manifests itself effectively in the social arena. The violence phenomenon, particularly sexual violence, is a multifaceted phenomenon. On this basis, the origin and dimensions of its occurrence should be found in many forms and issues. This study aimed to investigate the role of mothers in sexual victimization of girls. The present study is a qualitative phenomenological study. In this research, data were collected and evaluated using in-depth, semi-structured interviews in a targeted manner to attain the rule of theoretical saturation with considering the maximum sample diversity with 21 cases of women and girls who had experienced at least one rape . Additionally, according to the answers obtained, 6 categories have been identified: 1) disruption and crisis in the role of mother, 2) mother and reproduction of sexual and emotional damage, 3) passivity and subjugation (powerless mothers), 4) maternal failure, 5) maternal gender discrimination, and 6) chaotic maternal relationships. In this research the central category is the cycle of maternal crisis: role disruption and the wounds of reproduction. The findings show that these mothers had a significant role in the victimization of their daughters. In conclusion, the present study indicates that the crisis of motherhood is a self-perpetuating cycle; mothers who, for various reasons, have themselves been victims of violent structures, have played a significant role in reproducing trauma in the next generation. This cycle is the product of the intertwining of structural factors (such as gender inequality), institutional factors (such as the inefficiency of support systems), and interpersonal factors (such as troubled family relationships). Therefore, sexual violence is not merely a simple incident, but rather a process deeply rooted in profound contexts.
Cite this article: Abbaszadeh, M.; Ranjbar, F & Kazempour, M. (2024). In search of the Meaning of Suffering; Exploring the Lived Experiences of Sexual Assault Victims in Iran. <i>Social Studies and Research in Iran</i>, 14(3):?-. https://doi.org/10.22059/jisr.2025.390027.1585	
 Authors retain the copyright and full publishing rights. Publisher: University of Tehran Press. DOI: https://doi.org/10.22059/jisr.2025.390027.1585	



در جستجوی معنای رنج واکاوی تجارب زیسته قربانیان تجاوز جنسی در ایران

محمد عباس زاده^۱ | فاطمه رنجبر^۲ | معصومه کاظم پور^۳

۱. نویسنده مسئول، عضو گروه پژوهشی جامعه شناسی شهر و روستا، موسسه تحقیقات اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: m-abbaszadeh@tabrizu.ac.ir
۲. مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران: fk_ranjbar@yahoo.com
۳. گروه جامعه شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: kazempou@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۲/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۲۳ تاریخ انتشار: کلیدواژه‌ها: انفعال و انقیاد، پدیدارشناسی، تجاوز جنسی، خشونت جنسی، مادر، نابرابری جنسیتی	خشونت به مثابه رفتاری که به نحو موثری در عرصه اجتماع خودنمایی می‌کند از منظر جامعه‌شناختی قابل تحلیل است؛ پدیده خشونت به خصوص خشونت جنسی پدیده‌ای چند عاملی است؛ بر این مبنا علت و ابعاد بروز آن را باید در شکل‌های مختلف و مسائل بسیاری سراغ گرفت. این مطالعه با هدف بررسی نقش مادران در بزه دیدگی جنسی دختران انجام گرفته است. مطالعه حاضر با روش کیفی از نوع پدیدارشناسی است و داده‌ها با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته با رعایت اشباع نظری از بین ۲۱ نفر از زنان و دختران کشور که حداقل یک بار مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند با روش نمونه‌گیری هدفمند و با رعایت حداکثر تنوع به دست آمده است. با توجه به پاسخ‌های به دست آمده، ۶ مقوله مشخص شده‌اند: (۱) گسست و بحران در نقش مادری (۲) مادر و بازتولید آسیب‌های جنسی و عاطفی (۳) انفعال و انقیاد (مادران بی قدرت) (۴) شکست مادری (۵) تبعیض جنسیتی مادری (۶) روابط آشفته مادری. مقوله مرکزی در این پژوهش، چرخه بحران مادری: گسست نقش و زخم‌های بازتولید است. یافته‌ها نشان می‌دهند که این مادران نقش مهمی در قربانی شدن دخترانشان داشته‌اند. نهایت امر اینکه پژوهش حاضر نشان می‌دهد بحران مادری یک چرخه خودتکثیرشونده است؛ مادرانی که به هر دلیلی خود قربانی ساختارهای خشونت بوده‌اند، در بازتولید آسیب‌ها در نسل بعدی نقش مهمی داشته‌اند. این چرخه محصول درهم تنیدگی عوامل ساختاری (مانند نابرابری جنسیتی)، نهادی (مانند ناکارآمدی سیستم‌های حمایتی)، و بین فردی (مانند ارتباطات خانوادگی مشوش) است. بنابراین خشونت جنسی صرفاً یک اتفاق ساده نیست، بلکه فرآیندی است که ریشه در بسترهای ژرفی دارد.

استناد: خانی، محمد و تاج مزینانی، علی‌اکبر (۱۴۰۴). در جستجوی معنای رنج؛ واکاوی تجارب زیسته قربانیان تجاوز جنسی در ایران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۴ (۳): ۱-۳. <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.390027.1585>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. نویسندگان حق نشر و حقوق کامل انتشار را حفظ می‌کنند.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.390027.1585>

۱. مقدمه و بیان مسئله

سازمان بهداشت جهانی خشونت را «به کارگیری عمدی نیرو یا قدرت فیزیکی به صورت واقعی یا تهدید به آن» می داند که دارای انواع مختلفی مانند خشونت جسمی، روانی و جنسی است و می تواند از سوی هر شخص در محیط خانواده یا خارج آن انجام شود (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۵۲). آمارهای سازمان های رسمی نشانگر افزایش پدیده خشونت در جهان است. خشونت مبتنی بر جنسیت، پدیده ای جهانی و تاریخی است که ماهیت آن در همه جوامع مشابه بوده و به آسیب پذیری زنان منجر می شود، هرچند مصادیق آن با توجه به تفاوت های فرهنگی و قانونی در کشورها متفاوت است (ساعی ارسی و نیک نژاد، ۱۳۸۹).

خشونت علیه زنان انعکاسی از ساختارهای مردسالارانه است که روابط نابرابر قدرت را در جامعه حفظ می کنند. این خشونت زنان را از امکانات اجتماعی دور کرده، نابرابری ها را تشدید کرده و وابستگی به مردان را افزایش می دهد. همچنین باعث محرومیت زنان از حقوق اساسی و محدود شدن آزادی انتخاب و تحرک فردی آنان می شود (اعزاز، ۱۳۸۳). از مصادیق خشونت علیه زنان خشونت جنسی می باشد. بدون شک تجاوز عریان ترین نوع نقض اختیار است که یک زن با آن مواجه می شود. و سبب می شود که نیمی از جمعیت جهان به طور بالقوه خود را در معرض خطر تجاوز جنسی ببیند (مولاوردی، ۱۳۸۵: ۱۲۵). هدف تهاجم جنسی، مغلوب کردن و برخی مواقع تحقیر کردن قربانی است (کیتلسون، ۱۳۹۰: ۳).

در نظام حقوقی کامن لا تجاوز جنسی «هر گونه دخول مهبلی، مقعدی و یا دهانی، با هر قسمت از بدن و یا با هر وسیله ای» در صورتی که این عمل دارای دلالت جنسی بوده و بدون رضایت انجام پذیرد گفته می شود (فرجی ها و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۹).

در گذشته های دور مردم معتقد بودند که تمامی زنان را هاله ای از مهربانی، غمخواری، عواطف مادری، شجاعت و نجابت فرا گرفته است و تمام مردان بر آنان ستم روا می دارند و معتقد بودند همه مادران خوب هستند (چسلر، ۱۳۸۹: ۹) اما واقعیت این است که نگرستن به مادران به عنوان نمادهای بلامنازع عشق و محبت می تواند گهگاه دردسر ساز شود (فوروارد، ۱۴۰۰) بنابراین سوء رفتار مادرانه را نمی توان نادیده گرفت زیرا انکار یا کم اهمیت جلوه دادن آسیبی که بعضی مادران به دختران خود وارد می کنند بسیار خطرناک است (چسلر، ۱۳۸۹: ۱۹۲). بیشتر جوامع مادران را تقدیس می کنند، انگار که فقط عمل به دنیا آوردن کودک، خود به خود به آنها توانایی پرورش دادن می دهد. در صورتی که چنین چیزی صحیح نیست. در حقیقت، نحوه برخورد با مادران نامهربان با خط قرمزهای فراوان روبروست و نگرش های مربوط به زخم های وارده از طرف مادر، مورد اتهام واقع می شود و معمولاً با بدبینی و انتقاد تند و نصیحت بیهوده روبرو می شود (فوروارد، ۱۴۰۰).

مادران نقش حیاتی در زندگی دختران دارند که چنانچه به وظایف خود عمل نکنند ما شاهد انواع و اقسام پدیده های نامطلوب اجتماعی از جمله تجاوز جنسی خواهیم بود. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال اساسی است که دختران قربانی تجاوز جنسی چه تجارب زیسته ای از نقش عملکرد مادرانشان در بزه دیدگی جنسی شان دارند؟

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش تلاش شده است مهمترین ادبیات تجربی موجود پیرامون موضوع مورد مطالعه طرح شود: فوروارد^۱ (۱۴۰۰) در کتاب مادران سمی به بررسی تاثیر نقش مادران در زندگی دختران می پردازد او با تعدادی از زنانی کار کرده که در تلاش برای فرار از آسیب های عاطفی ناشی از مادرانشان بوده اند. او در کتابش این مادران را گروه بندی می کند: مادر خود شیفته،

مادر رقابتگر، مادر بیش از حد مسحور، کنترل گرا، مادرانی که به مادر نیاز دارند و مادرانی که از موقعیتشان سوء استفاده می کنند یا در محافظت از دختران خود در مقابل سوء استفاده شکست می خورند.

استس و تیدول^۱ (۲۰۰۲) تحقیقی با عنوان «تاثیر جنسیت و تاثیر تجربه مادر از آزار جنسی درون خانوادگی بر رفتارهای جنسی تجربه شده توسط فرزندش» با روش کیفی انجام داده اند. در این پژوهش ۱۰۴ کودک قربانی آزار جنسی و مادرانشان مورد پژوهش قرار گرفته اند. نتایج نشان می دهد کودکانی که قربانی آزار جنسی درون خانوادگی هستند به طور قابل توجهی رفتار جنسی بیشتری نسبت به کودکانی که خارج از خانه مورد آزار جنسی قرار گرفته اند از خود نشان داده اند مردان قربانی آزار جنسی، به طور قابل توجهی رفتار جنسی بیشتری نسبت به زنان قربانی آزار جنسی، از خود نشان داده اند مادرانی که درون خانواده، قربانی آزار جنسی محارم بودند به طور قابل توجهی مصرف مواد را از سوی خود و خانواده و همچنین سوء استفاده فیزیکی بیشتری را تجربه کرده اند.

کالین دیلی^۲ و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان «نقش رابطه مادر - کودک در آزار جنسی کودک» انجام داده اند این مطالعه از روش تجزیه و تحلیل ثانویه از داده های نظر سنجی ملی سلامت کودکان و نوجوانان استفاده کرده است. نتایج نشان داد وابستگی مادر به مواد مخدر با حساسیت کمتر او ارتباط دارد و ممکن است یک عامل خطر ویژه برای سوء استفاده جنسی از پسران باشد و همچنین جوانی مادر ممکن است یک عامل خطر مهم برای سوء استفاده جنسی از دختران باشد

زق رادنی و کامگنز^۳ (۲۰۱۶) تحقیقی با عنوان «تاثیر نسبت متجاوز با مادر بر مقصر دانستن وی در کودک آزاری جنسی فرزندش» انجام داده اند در این پژوهش از یک نمونه جامعه به صورت آنلاین و تصادفی از ۱۰۸ مشارکت کننده برای خواندن تصویری که در آن پدر یا دوست پسر مادر، دختر را مورد سوء استفاده جنسی قرار می دهند انتخاب شدند مشارکت کنندگان زمانی که متجاوز، دوست پسر مادر بود سطوح بالاتری از تقصیر را برای مادر اختصاص دادند.

کری^۴ و همکاران (۲۰۲۰) تحقیقی با عنوان «نقش مادران در آموزش و پیشگیری از سوء استفاده جنسی از فرزندان در گرگان» انجام داده اند. در این تحقیق که به روش آزمایش صورت گرفته است ۵۶ شرکت کننده (جفت مادر-دختر) از بیماران مراجعه کننده بهداشتی درمانی انتخاب شدند. پس از آموزش یک هفته ای توسط مادران، کودکان هر دو گروه پس آزمون شدند. نتایج نشان می دهد کودکانی که توسط مادرانشان آموزش داده شدند آگاهی قابل توجهی در مورد سوء استفاده جنسی در مقایسه با گروه کنترل کسب کردند.

گرک^۵ و همکاران (۲۰۲۱) تحقیقی با عنوان «مادران: عاملان و ناظران سوء استفاده جنسی از کودکان» با روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه و با حجم نمونه ۲۵۳۱ نفر می باشد در این پژوهش از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده است. نتیجه این مطالعه نشان می دهد که در گروه مجرمان، مادران (۹/۱ درصد) سهم بیشتری نسبت به پدران (۷/۷ درصد) و همچنین در گروه ناظران هم مادران (۲۱/۳ درصد) سهم بیشتری نسبت به پدران (۵/۱ درصد) در آزار جنسی فرزندان داشته اند.

¹ . Estes & Tidwell

² . Colleen Daly

¹ . Zagrodney & Cummings

⁴ . Khoori

⁵ . Gerke

۳. چارچوب مفهومی و نظری

انگلس^۱ (۱۸۸۴) مدعی است با گسترش قشربندی اجتماعی و دولت در فرآیند تکامل اجتماعی، کنترل مردان بر مالکیت خصوصی به کنترل بر زنان نیز تسری یافت، در نتیجه موقعیت زنان رو به افول گذاشت. از نظر هابر^۲ (۱۹۸۸) به طور کلی هر چه نقش زنان در معیشت افزایش می‌یابد و هر چه مالکیت زنان و کنترل مالکیت اقتصادی زنان بیشتر می‌شود، نابرابری جنسیتی کاهش می‌یابد. (همتی، ۱۳۹۲: ۱۱۸). فمینیست‌های مارکسیست مدعی‌اند که جامعه سرمایه‌داری علاوه بر تضاد طبقاتی، دارای ویژگی پدرسالاری هم هست. از این منظر، سرمایه‌داران نیروی کار را در اختیار خود می‌گیرند و مردان به عنوان نان‌آوران خانواده‌ها، زنان را از نظر اقتصادی و جنسی کنترل می‌کنند. (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰: ۷۳ و ۷۴). بلومبرگ^۳ می‌گوید: هر چه قدرت اقتصادی زنان کمتر، میزان ستم فیزیکی، سیاسی و ایدئولوژیکی بر آنها بیشتر می‌شود

چافتز^۴ معتقد است که قشربندی، نهایتاً تقسیم کار جنسیتی را به وجود می‌آورد و سبب می‌شود که مردان قدرت و نقششان در دو سطح خرد و کلان نسبت به زنان بیشتر شود (مبارکی، ۱۳۹۹: ۱۴۴ تا ۱۴۶).

فمینیست‌های رادیکال معتقدند مردان از خلال اعمال مردسالاری می‌آموزند انسانهای دیگر را کوچک بشمرند و آنان را به دیده غیرانسان بنگرند و کنترل کنند. (ریترز، ۱۳۹۳: ۶۳۲ تا ۶۳۴).

از منظر لائوسون و هیتون^۵ (۱۹۹۹) مردانگی در ساختار فرهنگی متناسب با نظام مردسالاری با خصایصی چون عقلانیت، خشونت، سلطه و میل به قدرت طلبی و کامیاب شدن مردان از زنان مشخص می‌شود. نقش‌های زنانگی و مردانگی در فرآیند جامعه‌پذیری از همان آغاز تولد با آموزش‌های خانواده و محیط‌های اجتماعی بر اساس کلیشه‌های جنسیتی بازتولید می‌شود؛ علیهذا سلطه بر زنان از این جهت قابل تأیید است (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۲۸).

مکی‌نون^۶ (۱۹۸۹) بر این باور است که تجاوز به عنف به جنس مربوط نمی‌شود، بلکه مربوط به قدرت است. او اشاره دارد بر اینکه تجاوز به عنف نوعی گرایش جنسی است که برای مردان لذت بخش است (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۲۴). سینگر و لوین^۷ (۱۹۸۸) می‌گویند: در برخی از کشورهای سرمایه‌داری مردانی که مرتکب تجاوز به عنف می‌شوند یک بیمار روانی شناخته می‌شوند تا مجرم؛ زیرا چنین رفتاری در مورد مردان یک بیماری تعریف شده است تا جرم. در حالی که در مورد زنان این عمل به عنوان یک انحراف اجتماعی تعریف می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۰۸). فیلیپ و ویچ^۸ (۲۰۰۸) می‌گویند: تجاوز جنسی خود ابزاری جهت کنترل است. تجاوز و دیگر خشونت‌ها علیه بدن زن مجازاتی است منحصر به فرد برای زنانی که از چارچوب خارج می‌شوند. زنانی که از قالب یک زن سنتی خارج می‌شوند به طور طبیعی تحت سلطه مردانه قرار می‌گیرند (زرعت پیشه، ۱۳۹۹: ۱۶۴).

به اعتقاد کلمن^۹ سرمایه اجتماعی مرتبط با خانواده عبارت است از: روابط بین فرزندان و والدین. به عقیده او سرمایه اجتماعی درون خانواده، به دو عامل حضور فیزیکی بزرگسالان در خانواده و وجود رابطه قوی بین فرزندان و والدین مربوط می‌شود. این واقعیت دارد که فرزندان به شدت تحت تأثیر سرمایه انسانی خانواده قرار دارند ولی این سرمایه انسانی ممکن است به نتایج نامطلوبی منجر شود؛ به

1. Engels

2. Huber

3. Blumberg

4. Chafetz

5. Lawson & Heaton

6. Maki Nun

7. Singer & Lewin

8. Filipovic

9. Coleman

همین خاطر ممکن است به سوی انواع آسیبها سوق داده شوند (نازک تبار و ویسی ۱۳۸۷: ۱۳۰)؛ که در صورت تحقق آن، انباشت سرمایه اجتماعی و نقش مثبت آن در بحران های مختلف، روند معکوس به خود خواهد گرفت (ورمزیار، ۱۳۸۷). بنابراین همانطوری که کلمن یادآور می شود هنجارهای اعتماد و روابط متقابل اعضای درون خانواده و فراوانی بحث فرزندان با والدین درباره موضوعات مختلف بسیار مهم می باشد (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۸۷). از منظر بوردیو^۱، سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم است؛ مخصوصاً در صورت تقویت سرمایه اجتماعی می تواند به منافع مادی و معنوی رسید؛ در صورتی که افراد به نحوی از این شبکه روابط خارج شده یا به حاشیه رانده شوند، از مزایای مادی و معنوی این ارتباطات نیز محروم می شوند (فاتحی و اخلاصی، ۱۳۹۱: ۱۵۶). همگام با نظریات کلمن و بوردیو، پاتنام^۲ نیز سرمایه اجتماعی مثبت را از هر لحاظ برای جامعه سودمند می داند (سفیری و شایسته، ۱۳۹۴) که می توان به یکی از تبعات آن از منظر فوکویاما^۳ به تقویت سلامت اجتماعی اشاره نمود (مهرگان و دلیری، ۱۳۹۲: ۱۲۰) همه اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان آنها مجاز است در آن سهیم هستند فروپاشی خانواده در سایه نبود سرمایه اجتماعی (فاضل و همکاران، ۱۳۹۰) و افزایش انحرافات اجتماعی به تبع آن (اعتمادی فرد و همکاران، ۱۳۹۴) موضوعی است که به نظر اندیشمندان یاد شده بایستی مد نظر قرار گیرد؛ همچنین در کنار موارد یاد شده، توجه به فرآیند اجتماعی شدن کودک در خانواده به عنوان اولین نهاد جامعه پذیر کننده (جلال پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۸) و مخصوصاً در این میان نقش مادران در جامعه پذیری فرزندان بخصوص فرزندان دختر بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که جامعه پذیری از نظر مرتن^۴ فرآیندی است که افراد ارزشها، هنجارها، دانش و مهارت لازم را برای زیست در یک اجتماع به دست می آورند. تایرنی و رودز^۵ جامعه پذیری را فرآیند آئینی تعریف می کنند که متضمن انتقال فرهنگ است (مهدیه و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۸). مید^۶ تکوین خود را از خلال دو مرحله در رشد کودکی دنبال می کند: مرحله نمایشی و مرحله بازی است که هر دو مرحله برای دستیابی فرد به خود به معنی واقعی کلمه حیاتی هستند (ریتزر، ۱۳۹۴: ۴۸۹ و ۴۹۰).

در نظام مردسالار، مردان به تنهایی مسئول تفکر مردسالارانه نیستند زنان هم خواسته های آنها را دارند و حتی همدستانی پور شورتر هستند این زنان مانند مردان از طریق آنها ارزش های مردسالارانه را درونی کرده اند و رفتار به شیوه سنتی مردسالاری را با سایر زنان و حتی دختران خود شان ادامه می دهند مادرانی که با دختران خود خصومت می ورزند احساس خوبی در مورد خود شان ندارند عزت نفس، خوش بینی، درک خودکفایی، رضایت از زندگی، آگاهی از قدرت بدنی عالی، در این مادران اندک است مادران به عنوان اصلی ترین سرمایه های اجتماعی دختران به شمار می روند اما مادرانی که خود تحت تاثیر آموزه های نظام مردسالاری هستند جنگ پنهان خانگی خود را از بدو تولد دخترانشان آغاز می کنند عمق این تخریب در سرتاسر زندگی دختران ادامه دارد (چسلر، ۱۳۸۹) ارتباط متقابل مادر و دختر بازتاب جامعه پذیری مادر است شخصیت دختر و چگونگی آن بسته به نوع پرورش و تربیت مادرانه شکل می گیرد نقش مادر در شکل گیری شخصیت دختران انکار نشدنی است شخصیت کودک بسته به جنس خود متاثر از ذهنیت مادر کامل می شود و به بلوغ می رسد (زرلکی، ۱۳۸۲: ۱۳۳) ساختارهای مردسالارانه موجب می شود مادران، دختران خود را همچون خود ضعیفه بار بیاورند و نتوانند آنان را به زنان مستقل، آگاه و باهوش آینده تبدیل کنند.

^۱ . Bourdieu

^۳ . Putnam

^۴ . Fukuyama

^۵ . Merton

^۶ . Tierney & Rhoads

^۷ . Mead

۰۴. روش‌شناسی پژوهش

از دیدگاه روش‌شناسان کیفی عصاره پدیدارشناسی مطالعه تجربه زیسته افراد از پدیده هاست و پدیدارشناسی تجربه افراد را در بافت زندگی روزمره آنها مطالعه می‌کند (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۸). پژوهش کیفی حاضر بر اساس روش پدیدارشناسی است که داده‌های آن از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ جمع‌آوری شده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش زنانی هستند که حداقل یک بار مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. در این مطالعه مادران قربانیان تجاوز جنسی مورد بررسی قرار گرفتند. با توجه به معیارهای ورود به مطالعه، در انتخاب نمونه‌ها از شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده گردید. در این پژوهش مشارکت‌کنندگان با در نظر گرفتن حداکثر تنوع نمونه از لحاظ مناطق جغرافیایی (شهرهای مختلف)، محل سکونت (شهری و روستایی)، قومیت (فارس، ترک، کرد و عرب)، سن، و وضعیت تاهل، سطح تحصیلات و پایگاه اقتصادی – اجتماعی انتخاب شدند. مشارکت‌کنندگان خارج از شهر تبریز توسط دو تن از کنشگران فعال حوزه زنان معرفی گردیدند و مشارکت‌کنندگان داخل شهر تبریز با شناخت قبلی انتخاب شدند آشنایی و ارتباط اولیه با مشارکت‌کنندگان در شبکه‌های مجازی صورت گرفت و پس از جلب اعتماد، مصاحبه‌های خارج از شهر تبریز به صورت تلفنی و مصاحبه‌های داخل شهر به صورت حضوری انجام گرفت. بازگشت به مصاحبه‌شونده‌ها جهت تکمیل و ابهام‌زدایی از مصاحبه‌ها در فرآیند پژوهش صورت گرفت. متوسط مدت زمان مصاحبه‌ها دو ساعت و نیم بود و در این مطالعه، ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت با انجام ۲۱ مصاحبه داده‌ها به اشباع رسید. گفتنی است مصاحبه‌ها با موافقت مشارکت‌کنندگان ضبط شد و پس از تهیه متن نوشتاری مصاحبه‌ها، کدگذاری صورت گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش هفت مرحله‌ای کلازی استفاده شد. براساس این روش محقق ابتدا با خواندن دقیق و مکرر مصاحبه‌ها و توصیف شرکت‌کنندگان سعی کرد با آن‌ها مانوس شود و در مرحله دوم، جملات و واژه‌های مهم از متن مصاحبه‌ها استخراج شد سپس این معانی استخراج شده مفهوم‌سازی و کدبندی شدند، در مرحله بعدی پس از بازخوانی مکرر کدها، مفاهیم، فرموله شده و در درون دسته‌ها و خوشه‌های موضوعی قرار گرفته و تم‌های اصلی به دست آمدند، در مرحله بعد توصیف جامعی از پدیده تحت مطالعه به هم پیوند یافته و دسته‌های کلی‌تری به وجود آوردند در مرحله بعد توصیف جامعی از پدیده‌ی تحت مطالعه ارائه شد. مرحله پایانی اعتباربخشی با ارجاع به هر نمونه و پرسیدن درباره یافته‌ها انجام شد به‌علاوه جهت استحکام تحقیق از دو معیار اطمینان‌پذیری و باورپذیری استفاده شد. کلازی معتقد است که با مراجعه به افرادی که درگیر فرایند پدیدارشناسی هستند یا از روند اجرای آن اطلاع کافی دارند می‌توان به اعتبار سنجی این گونه تحقیقات پرداخت نهایتاً برای برآورد اعتبار و پایایی (عباس‌زاده، ۱۳۹۱) از خودبازبینی محقق، نظرات خبرگان و کدگذارهای مختلف استفاده شد. همگرایی بالا بین کدگذاری‌ها یافت شد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش در جدول زیر آمده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی مشارکت‌کنندگان پژوهش

ردیف	سن	تحصیلات	شغل	تعداد فرزندان خانواده	ترتیب تولد	وضعیت تاهل	تحصیلات مادر	تحصیلات پدر	شغل مادر	شغل پدر	شهر	سن در اولین تجاوز
۱	۲۰	ابتدایی	خانه‌دار	تک‌فرزند		متاهل		اول راهنمایی	خانه‌دار	کشاورز	بوکان	۱۹
۲	۲۲	بیسواد	خانه‌دار	۵	فرزند آخر	مطلقه	بیسواد	بیسواد	خانه‌دار	کشاورز	سلماس	۱۹
۳	۳۳	لیسانس	مشاور	تک‌فرزند		مطلقه		فوق دیپلم		کارمند	خوزستان	۲۸

۴	۱۹	دپلم	پشت کنکور	۲	اول	مجرد	دپلم	لیسانس	پرورش قارچ	کارمند	اورمیه	۱۹
۵	۲۸	فوق لیسانس	معلم	۶	اول	مجرد	لیسانس	فوق دپلم	معلم	معلم	بیرجند	۲۶
۶	۴۳	پنجم	خانه دار	۵	دوم	مطلقه	اول راهنمایی	بیسواد	مربی قرآن	راننده تریلی	تبریز	۳۶
۷	۲۹	لیسانس	خانه دار	۵	چهارم	مطلقه	دپلم	دپلم	خانه دار	بازنشسته	اورمیه	۱۹
۸	۴۰	دپلم	خانه دار	۲	اول	متاهل	پنجم	سیکل	خانه دار	آزاد	تهران	۱۷
۹	۲۳	دانشجو	ناخن کار	۲	دوم	مجرد	ابتدایی	ابتدایی	فروشنده	مکانیک	اصفهان	۸
۱۰	۲۰	دپلم	پشت کنکور	۲	اول	مجرد	لیسانس	دپلم	خانه دار	آزاد	تهران	۱۰
۱۱	۳۳	راهنمایی	خانه دار	۳	دوم	مطلقه	ابتدایی	فوق لیسانس	خانه دار	آزاد	تبریز	۲۰
۱۲	۳۹	لیسانس	نقاش	۶	فرزند آخر	مطلقه	بیسواد	لیسانس	خانه دار	روحانی و معلم	رامسر	۱۸
۱۳	۳۷	لیسانس	خانه دار	۵	چهارم	متاهل	بیسواد	بیسواد	خانه دار	میوه فروش	تبریز	۲۳
۱۴	۱۸	دپلم	پشت کنکور	۳	فرزند آخر	مجرد	دپلم	لیسانس	خانه دار	کارمند	کرج	۱۶
۱۵	۱۸	محصل	محصل	۲	اول	مطلقه	ابتدایی	سیکل	خانه دار	کارگر	سندج	۷
۱۶	۳۳	فوق لیسانس	نقاش	۲	دوم	مجرد	فوق دپلم	لیسانس	معلم	دبیر	مشهد	۱۰
۱۷	۳۳	دانشجو	دانشجو	۶	فرزند آخر	مجرد	راهنمایی	راهنمایی	خانه دار	بازنشسته	مشهد	۲۳
۱۸	۲۴	زیر دپلم	خانه دار	تک فرزند		مطلقه	سیکل	لیسانس	خانه دار	سپاهی	تهران	۱۳
۱۹	۳۷	سیکل	خانه دار	۵	فرزند آخر	مطلقه	بیسواد	بیسواد	قالیاف	بیکار	تبریز	۱۱
۲۰	۲۳	دانشجو	دانشجو	۲	اول	متاهل	سیکل	دپلم	خانه دار	آزاد	تهران	۱۶
۲۱	۳۸	راهنمایی	خانه دار	۳	اول	مطلقه	ابتدایی	ابتدایی	خانه دار	دندانساز	تبریز	۳۰

۵. یافته های تحقیق

در این بخش، یافته ها در ۶ گروه (گسست و بحران در نقش مادری، مادر و بازتولید آسیب های جنسی و عاطفی، شکست مادری، انفعال و انقیاد (مادران بی قدرت)، تبعیض جنسیتی مادری و روابط آشفته مادری) آورده شده اند

۵-۱. گسست و بحران در نقش مادری

برخی از مادران با تولد فرزندشان از لحاظ عاطفی ناپدید می شوند؛ آنها سرد، خودمحور و بی توجه به نیازهای عاطفی و گاهی حتی فیزیکی دخترانشان هستند. چنین رفتارهایی باعث می شود دختران آسیب ببینند و همواره در جستجوی محبت و مسیر خود باشند. دلایل این بی توجهی ممکن است شامل ناآمادگی برای مادر شدن، فشار مسئولیت، فروپاشی زناشویی، اعتیاد یا بیماری روانی باشد. این مادران انرژی خود را صرف خود کرده و کمترین توجه را به رفاه فرزندشان اختصاص می دهند.

جدول ۲. مفهوم گسست و بحران در نقش مادری

مقوله اصلی	خرده مقوله ها	کدهای باز
گسست و بحران در نقش مادری	گسست در نقش مادری	حذف نقش مادری، بیگانگی مادر و دختر، تلاش برای خلاص شدن از مسئولیت مادری
	بحران های خانوادگی و اجتماعی	اعتیاد مادر، طلاق والدین، ازدواج مادر با مرد متاهل، بی خانمانی فرزندان طلاق
	پیامدهای بین نسلی	جامعه پذیری ناقص، نفرت دختر از مادر، بار منفی دختردار شدن، چرخه معیوب طلاق
	خانواده بازساخته	اشاره به ساختارهای جدید خانوادگی که ممکن است ناپایدار یا آسیب زا باشند

ش ب می گوید: «نه ماهه بودم که پدر و مادرم از هم جدا شدن مادر بزرگم منو بزرگ کرده بعد فوت مادر بزرگم، چون نامادری داشتم خیلی زود منو شوهر دادن. باور میکنی من نمیدونم مادرم چند کلاس درس خوانده، مادرم الان با یه مرد متاهل ازدواج کرده، من ازش متنفرم». الف ج می گوید: «مامانم وقتی کوچیک بودم طلاق گرفتو رفت مادرم وقتی تو روستا بود میدیدمش الان که شوهر کرده یه ساله ندیدمش اگه مادرم بود این اتفاقات (تجاوز) برام نمیفتاد». و.....

د ذ می گوید: «مادرمون به خاطر اعتیاد پدرمون طلاق گرفت رفت ما دو تا خواهر دو قلو هستیم ۱۵ سالمونه پدرمون به خاطر پول مواد ما رو مجبور به تن فروشی میکنه ما باید هر روز پول مواد پدرمونو در بیاریم اگه بهش پول ندیم ما رو کتک میزنه و از خونه بیرون میکنه»

۵-۲. مادر و بازتولید آسیب های جنسی و عاطفی

بزرگترین مسئولیت مادر، محافظت از دخترش در برابر آسیب های فیزیکی و سوءاستفاده جنسی است. مادری که در این وظیفه کوتاهی کند، به نوعی همدست آزارگر محسوب می شود. برخی مادران به دلیل ترس، بی تفاوتی یا خودخواهی، به جای مقابله با آزارگر، دخترشان را در معرض خطر قرار می دهند و حتی رفتار آزارگر را توجیه کرده و دخترشان را مقصر می دانند. این مادران ممکن است به دلیل وابستگی شدید به آزارگر، از رویارویی با او بترسند و امنیت دخترشان را نادیده بگیرند. آزار جنسی، دختر را درگیر شرم و حس تنهایی عمیقی می کند و او را به کالایی مصرف شده تبدیل می کند. مادری که از این موضوع آگاه است اما اقدامی نمی کند، باعث آسیب های جبران ناپذیری به دخترش می شود. لبخندها و حمایت مادر برای دختر بسیار مهم است، اما تندى و عیب جویی مادر می تواند دلهره آور باشد. مادران باید با شجاعت و آگاهی، امنیت و رفاه دخترانشان را تأمین کنند

جدول ۳. مفهوم مادر و بازتولید آسیب های جنسی و عاطفی

مقوله اصلی	خرده مقوله ها	کدهای باز
مادر و بازتولید آسیب های جنسی و عاطفی	شکست در نقش حفاظتی مادر	عدم حفاظت مادر از دختر، نادیده گرفتن تجاوز، اعتماد نابجا به شخص ثالث، راهکارهای اشتباه مادر برای جلوگیری از تجاوز
	ضعف ارتباطی و عاطفی	ضعف ارتباطی مادر، عدم ارضای نیازهای عاطفی دختر، بی ارزش پنداری دختر برای مادر
	خشونت و آسیب های روانی	خشونت فیزیکی شدید مادر، مشکلات روحی و روانی مادر، قربانی نكوهی دختر توسط مادر

بازتولید آسیب های بین نسلی	عدم آموزش جنسی، ساده لوحی مادر، طعمه شدن دختر توسط مادر
عوامل فرهنگی و اجتماعی	خاستگاه روستایی مادر، عدم باور به تجاوز محارم، غافل شدن مادر به دلیل رتق و فتق امور خانه

س ب می گوید: «مامانم همش میرفت سر کار، منو داداشم خونه تنها می موندیم مامانم همچنین آدمی نبود که بشینه با من صحبت کنه همش پرخاشگر بود همیشه ما رو میزد سر یه چیز کوچولو. مامانم بسیار آدم افسرده و عصبیه. مامانم با زبون کتک حرف میزنه. مامانم، طوری بود که وقتی من تو کوچه هم میرفتم نمیدانست برم میگف چرا بدون اجازه رفتی، مامانم توی رو ستا زندگی میکردن به این مسائل آگاهی نداشتن و اگر هم اتفاق (تجاوز) میفتاد به خاطر حرف مردم هیچی نمیگفتن. به مامانم میگفتم که داداشم منو خیلی اذیت میکنه و میخوام خونه دوستم بمونم، یادمه یه بار مامانم منو از پا گرفت تابوند با سر کوبید به دیوار، خیلی بد میزد. بیرون هم که میخواسم برم نمیدانست در خونه رو قفل میکرد مامانم یه جورایی فهمیده بود میدید که داداشم شیطونه اینا یه جوری منو از دست دور میکرد اما به روش وحشیانه خودش، فک میکنی اگه من به مامانم میگفتم ازم محافظت میکرد درکم میکرد ولی دقیقاً برعکس بود». م ک می گوید: «۱۱ سال داشتم که شوهر خواهرم در خانه خودمان به من تجاوز کرد من از مادرم دلسرد شدم. چون مادرم در اون کار مقصر بود. یکی دو سال این تجاوزها ادامه داشت تا پنجم ابتدایی دامادمون به من تجاوز میکرد مادرم میدونست ولی کاری نمیکرد. من تو تجاوز خونریزی کرده بودم لباً سهام کثیف شده بود من هیچی نمیدونستم لباً سهامو مادرم عوض کرد چیزی نگف حتی علتشو هم نپرسید.....». ژ ب می گوید: «وقتی ۷ سالم بود داییم بهم تجاوز کرد مامانم میگف تو چیکار کردی که داییت باهات این کارا رو کرده. بچگیام میرفتم خونه خاله مامانم، شبو خونه شون میخوابیدیم پسر خاله مامانم صبح ها که همه خواب بودن میومد سر وقت من اذیت میکرد» ب ق می گوید: «برادرم بهم تجاوز کردن وقتی به مامانم گفتم گف از بی چشم و رویی خودت ببین چیکار کردی». پ خ می گوید: «من از شش سالگی تا زمانی که برادرم ازدواج کرد و رفت تحت آزارهای جنسی او بودم آبجیام هم همینطور، برا همین وقتی بهم تجاوز شد خیلی تحت تاثیر قرار نگرفتم تعرض های برادرمو به مامانم که میگفتم نمیتونست واکنش نشون بده چون محرم بود مامانم کار خاصی نمیتونست انجام بده مامانم میگف اگه با داداش صحبت کنم پر روتر میشه من حمایت خاصی از مادرم ندیدم». ز م می گوید: «وقتی در شرکت اضافه کار می ماندم صاحب شرکت (متجاوز) به من میگف زنگ بزن به خونه تون بگو من با ... میام مادرم هم خیالش راحت می شد» و....

۵-۳. انفعال و انقیاد (مادران بی قدرت)

قدرت را می توان کنترل بر اعمال و رفتار دیگران علی رغم میلشان دانست برخی از اندیشمندان جنبه تصمیم گیری در خانواده را به عنوان ملاک قدرت در خانواده دانسته اند و بعضی دیگر نیز نحوه اعمال قدرت را به عنوان ملاک اصلی در نظر گرفته اند^۱ نیز در بررسی ساخت قدرت در خانواده به میزان مشارکت زن و شوهر و جنبه تقارن قدرت توجه خاصی نشان داده است. فمینیست ها معتقدند زنان دسترسی کمتری به منابع قدرت دارند و خانواده محلی است که قدرت در آن به صورت متقارن توزیع نشده است در این نهاد زنان افرادی مطیع هستند که نقش هایشان از پیش تعیین شده است (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۶۸ و ۲۶۹).

^۱ . Blade

جدول ۴. مفهوم انفعال و انقیاد (مادران بی قدرت)

مقوله اصلی	خرده مقوله ها	کدهای باز
انفعال و انقیاد (مادران بی قدرت)	انفعال مادر در نقش های خانوادگی	عدم اظهار نظر مادر در تصمیم گیری های خانواده، مادر خنثی، عدم دفاع مادر از دختر در برابر خشونت پدر
	انقیاد و تبعیت مادر	نقش کلفتی مادر در خانواده، اطاعت مادر از پدر، ضعیف نگه داشته شدن مادر توسط پدر
	ساختارهای قدرت عمودی	تشدید قدرت عمودی در خانواده، مادر ضعیف و ناتوان
	پیامدهای اجتماعی و روانی	انزوای اجتماعی مادر و تاثیر این انفعال بر بازتولید تبعیض جنسیتی و آسیب های وارده به دختران

رد می گوید: «مادر من در خانواده ما هیچ نقش و هیچ قدرتی نداشت و همه تصمیمات خانواده را پدرم می گرفت ما پنج تا خواهریم و من دختر چهارم خانواده هستم پدرم همه ما رو زود شوهر داده. اون ارثشی بود مرد مستبدی بود خط قرمزش دانشگاه بود دلیلی که من قبول کردم ازدواج کنم صرفاً برا رفتن به دانشگاه بود در ۱۷ سالگی ازدواج کردم به خاطر بی کفایتی شوهرم چند سال شوهر خواهر شوهرم به من تجاوز کرد چن بار که به من تعرض شد رفتم پیش خانواده ام بهشون گفتم. حتی یه روزم نداشتند اونجا بمونم و همون شب منو به خونه شوهرم برگردوندن. باعث شدن من فرار کنم و به بیگانه پناه ببرم. مادر من تو تمام این سالها نتونست هیچ دفاع و حمایتی ازم بکنه». خ گ می گوید: «مادر من تو خانواده اصلاً صحبت نمیکنه یه جورى هست که فقط غذا به ما بده کارهای ما رو بکنه و هر چی بابام بگه مامان من انجام بده یعنی نقش زیادی نداره پدرم تمام این چیزا رو گرفته سمت خودش که مامان هیچ عکس العملی از خودش نشون نده تو زندگی ما هیچ تاثیری تو تربیت ما نداشته باشه پدرم برای درس خوندن ما و بیرون رفتن ما تصمیم می گرفت همه چیز با بابام بود مامانم فقط غذا میداد و به درس خوندن ما کمک میکرد مامان من توی خودش نمیبینه که برا زندگی خودش نظر بده»

۴-۵. شکست مادری

فرزندانی که روابط نزدیک و همراه با اعتماد را با والدین تجربه نمی کنند، به احتمال زیاد از سطوح پایین اعتماد به نفس و عزت نفس رنج می برند که می تواند منجر به حالت اضطراب فراگیر و افسردگی در زندگی آینده آنها شود بالبی^۱ فرض کرد که به دلیل حساسیت و عدم مراقبت والدین در طول سالهای اولیه رشد کودک، مشکلاتی در توانایی کودک برای برقراری ارتباط عاطفی قوی با دیگران به وجود می آید. مراقبت والدینی در ارتباط گرم، همدلی و نزدیکی والدین با فرزندان منعکس می شود و در جهت مخالف آن با طرد، انتقاد آشکار، سردی، بی تفاوتی و غفلت والدین مشخص می شود. افراد با پیوند والدینی ضعیف طرحواره هایی را رشد می دهند که شناخت های ناکارآمد را شکل می دهند به این ترتیب کودکی که در محیط اولیه زندگی خود از ثبات، تفاهم و عشق محروم است، در ارضای نیازهای خود با ناکامی مواجه می شود (قنادی و عبداللهی، ۱۳۹۳: ۱۳۰ تا ۱۳۳).

جدول ۵. مفهوم شکست مادری

مقوله اصلی	خرده مقوله ها	کدهای باز
شکست مادری	شکست در نقش مادری	عملکرد ضعیف مادر، ضعف شخصیت مادر، مادر خاله زنک

^۱ Bowlby .

جامعه پذیری ناقص دختران	ضعف در جامعه پذیری جنسیتی، جامعه پذیری پسرگونه دختر، ضعف در همذات پنداری جنسی
سرکوب زنانگی	سرکوب زنانگی دختر از طرف مادر، بی توجهی به دختر بعد از به دنیا آمدن پسر
جستجوی محبت در بیرون از خانه	عقده حقارت و خود کم بینی در دختر، جستجوی محبت در بیرون از خانه به دلیل ضعف ارتباطی با مادر
ضعف در ارتباط مادر و دختری	عدم ارتباط دختر با مادر به دلیل دهن لقی مادر، ضعف در ارتباط مادر و دختری، مادری کردن پدر برای دختر

ج ع می گوید: «چن وقت پیش داشتم فک میکردم که چرا مادر من در تمام این اتفاقاتی که از کودکی تا به الان برا من افتاده هیچ حمایت و عکس العملی از من نکرده از خودم میپرسم من اولین بار کجا طرد شدم توی خانواده یا کجا حس تحقیر رو تجربه کردم اولین بار، چون من بچه اول بودم همیشه به من میگفتن بابات پسر میخواست تو دختر شدی بعد شش سال گف بچه دار نشیم چون ممکنه دومی ام باز دختر بشه اولین باری که حس کردم اضافی ام اونجا بود انگار دختر بودن جرمه. بعد که برادرم به دنیا اومد تمام توجهات به اون رفت این باعث شد وقتی که من دیدم یه مردی به من توجه میکنه گفتم این چقدر آدم خاصیه نباید از دستش بدم برا همین اونقدر مقاومت داشتم برا نگه داشتنش. توی هفت یا هشت سالگی که به زور روسری سرم میکردن میگفتن تو روسری سرت کن تو دختری زشته منو به زور چادری کرده بودن. این تحقیرها خیلی منو اذیت کرده اعتماد به نفسم رو اونقدر پایین آورده که حاضر بودم یه آدمو به هر قیمتی تو زندگیم نگه دارم بعد از قضیه تجاوز هم، باز هیچ همراهی از مادرم ندیدم». ز م می گوید: «مادرم از عشق من به پسر همسایه باخبر شده بود به من گف که باید دستت رو روی قرآن بذاری و قسم بخوری که با اون حرف نمیزنی من هم به دروغ قسم خوردم و از اونموقع به بعد زندگی من خراب شد من با دوست پسرم تلفنی فارسی صحبت میکردم چون مادرم فارسی نمیدونست. چون حرف دلم رو به هیچ کس نمیتونستم بگم مادرم رازدار نبود نمیتونستم درد دل کنم زود به زود به دوست پسرم زنگ میزد. تا اونموقع مادرم چیزی در مورد رابطه جنسی نگفته بود. وقتی برای اولین بار پرپود شدم به مادرم گفتم شورت من خونی شده مادرم خیلی ناراحت شد و با اکراه گف خوش به خالمون. اگه مامان من بفهمه به یکی تجاوز شده میره به همه میگه فلانی فلان کاره (فاحشه) هست. مادرم محبت کردن بلد نیس اگه باهاش درد دل میکردم شاید اون گره ها و مشکلات رو در زندگی نداشتم». و.....

۵-۵. تبعیض جنسیتی مادری

خانواده به عنوان نخستین نهادی که فرد در آن چشم می گشاید اعم از اینکه به کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه تعلق داشته باشد مهمترین عامل در انتقال تبعیض جنسیتی است؛ زیرا میزان تاثیر پذیری کودک به دلیل خالی بودن ذهنش در سالهای اولیه زندگی و همچنین ارتباط تنگاتنگش با افراد خانواده، به ویژه مادر، بسیار زیاد است اولین نشانه های تبعیض جنسیتی در خانواده با تولد نوزاد نمایان می شود. شاید اولین پرسشی که در تولد هر نوزادی پرسیده می شود در ارتباط با جنسیت است و بر حسب دختر یا پسر بودن نوزاد، واکنش های متفاوتی از سوی والدین و اطرافیان نشان داده می شود (مبارکی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۹). نابرابری جنسیتی تحت تاثیر ایدئولوژی جوامع و گذشته های تاریخی و فرهنگی شکل می گیرند موانع قانونی مانند ارث بردن زنان از اموال، درخواست ازدواج، طلاق یا ازدواج اجباری و نیز قوانین عرفی مالکیت و کنترل بر منابع خانواده توسط مرد، به تبعیض در خانواده، قدرت مردان و همچنین محدودیت دسترسی زنان به منابع و از جمله درآمد، آموزش و پرورش و دارایی های دیگر منجر می شود (قاسمی، ۱۴۰۰: ۹۶).

جدول ۶. مفهوم تبعیض جنسیتی مادری

مقوله اصلی	خرده مقوله ها	کدهای باز
تبعیض جنسیتی مادری	تبعیض جنسیتی از طرف مادر	دفاع بی جای مادر از پسر، حفظ آبروی خانواده با قربانی کردن دختر، همدستی مادر و پسر برای سلطه بر دختر
	سرکوب و کنترل دختران	زندانی کردن دختر به عنوان راهکار مادر برای جلوگیری از تجاوز
	قربانی سازی دختران	قربانی کردن دختر برای حفظ ساختارهای خانوادگی و اجتماعی

زم می گوید: «مادرم در زادگاهش دو قطعه زمین مرغوب داره که میخواد اونها رو به پسرانش بده چون پسرها شو بیشتر از دخترانش دوس داره و زمینهایی رو که خیلی خوب نیستن به منو خواهرام بده برادرام ششصد متر و به من و خواهرام سیصد متر». سب می گوید: «مامانم که میرف سر کار منو توافاق میکرد و در رو قفل میکرد که داداشم نتونه منو اذیت کنه که همسایه ها سر و صدای منو میشنیدن و به مامانم میگفتن مامانم میومد منو میزد میگف چرا سر و صدا کردی میگف داداشتم تو رو برنه تو آبروداری کن. مامانم در رو به روی من قفل میکرد منم بعضی وقتها اعتراض میکردم واقعا حالم بد میشد من دستشوییمو نگه میداشتم و از بچگی دچار مشکل مثانه شدم بعضی وقتها به بی اختیاری ادرار دچار میشم. مامانم حق رو به داداشم میداد مامانمو داداشم به جور با هم همدست شده بودن میخواستن رو من سلطه پیدا کنن. یه بار من حالم خیلی بد بود برگشتم بهش گفتم که تو اینقد به من چیز میگی به اون آشغال هیچی نمیگی که اینهمه بلا سرم آورده گفتم همین چیزی که به من میگی همون بلا رو سرم آورده (تجاوز جنسی) به من میگف تو میری فلان کار رو میکنی و اینا بعد گف اون چیکار کرده مگه، گفتم اینجوری کرده (تجاوز کرده) گف آره تو داری گناه اونو میشوری اون چون الان نیس میخوای اونو مقصر کثافت کاری هات بکنی من باورم نمیشه خلاصه باور نکرد از اونوقت بیشتر منو محدود کرد»

۵-۶. روابط آشفته مادری

هر ازدواج موفق حاوی سه رکن اساسی است این ارکان عبارتند از: تعهد، جاذبه و تفاهم. تعهد زناشویی قوی ترین و پایدارترین عامل پیش بین کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است. براساس یک تعریف کلی خیانت زناشویی نقض تعهد رابطه دو نفره است که به شکل گیری درجاتی از صمیمیت عاطفی و فیزیکی با فردی خارج از این رابطه منجر می شود خیانت زناشویی پدیده ای است که اغلب به خاطر برطرف نشدن نیازهای عاطفی یا جنسی فرد از طریق روابط خارج از حیطه زناشویی به وقوع می پیوندد زمانی که نیازهای فرد توسط شخصی از جنس مخالف برطرف می شود آن قدر در آن فرد احساس رضایت و خشنودی ایجاد می کند که او خطر داشتن رابطه پنهانی با آن شخص را به جان می خرد خیانت زناشویی یک بحران برای زوج ها و خانواده هاست آمارها نشان می دهد که در دهه های گذشته خیانت در زنان افزایش یافته است (سرمدی و احمدی، ۱۴۰۰: ۸۲ و ۸۳).

جدول ۷. مفهوم روابط آشفته مادری

مقوله اصلی	خرده مقوله ها	کدهای باز
روابط آشفته مادری	روابط آشفته مادر	عشق داماد به مادرزن، ازدواج با دختر برای رسیدن به مادرزن، رابطه فرازناشویی مادر
	رفتارهای ناپهنجار مادر	مادر دریده، تشویق دختر به بی بندوباری، رفتارهای ناپهنجار مادر
	جامعه پذیری ناسالم دختران	جامعه پذیری هرزه گوی دختر توسط مادر

م ک می گوید: « من به کمی کنجکاو بودم و به مادرم خیلی وابسته بودم وقتی مادرم نبود من دنبالش می‌گشتم وقتی به بار دنبال مادرم می‌گشتم دیدم صداهای عجیب و غریبی میاد از سوراخ کلید در، نگاه کردم دیدم مادرم و دامادمون (متجاوز) کارای دیگه ای انجام میدن من نمیدونستم این چه کاریه ولی چون در این مورد دعوای پدر و مادرم رو دیده بودم میدونستم زن و شوهر این کارها رو میکنن ولی واضح هم نمیدونستم بعدها فهمیدم که اونا رابطه جنسی داشتن». ع خ می گوید: «مادرم خیلی دریده بود با غیرت من بازی میکرد پدرم مشکل جنسی داشت حس میکردم مامان گاهی بهش خیانت میکنه نمیتونستم درکش کنم برا همین همیشه با هم به مشکل برمی‌خوردیم. تو ۱۳ سالگیم پسر همسایه مون که به پسر ۱۷ ساله عرب عراق بود بهم تجاوز کرد من گفتم پرده بکارتم رفته دیگه باید با این بمونم بعدا فهمیدم پرده ام از نوع حلقوی ارتجاعیه مادرم نمیداشت با این پسر کات کنم تو ۱۶ سالگیم عاشق به پسر ی شدم مامانم بهم گف بگو دوس پسر ت بیاد خونه اینم پا شد اومد خونه ما سه روز موندم با من رابطه جنسی کرد مادر من باید عقل داشت منو با اون تو خونه نمیداشت مادرم باید به من ارزش میداد و نمیداشت اون پا شو بذاره خونه مون چهار ماه قبل فوت بابا مامان به هوای خونه مجردی که باباش بهش داده بود گذاشت رفت»

۶. بحث و نتیجه گیری

ما از مادران خود انتظار داریم که خوب باشند به همین دلیل وقتی مادر نه تنها کامل نیست بلکه سوء رفتار نیز دارد ما برآشفته و وحشت زده می شویم دختران در زمینه بر ملا شدن ویژگی های نا شناخته مادر شان، دچار سردرگمی و ابهام هستند برای مثال مادر امکان دارد از زن جماعت، از جمله دختر خود، متنفر باشد و نسبت به آنها خصومت بورزد ممکن است بر اثر خشم سرکوب شده ای که به یاد نمی آورد نوسان خلقی وحشیانه ای داشته باشد ممکن است انتقاد مستمر، ایجاد ضرب و جرح جسمی، نظارت و سرکوب دائم، همکاری و یا همراهی با یک مرد بزرگسال در زمینه سوء رفتار با دختر داشته باشد علاوه بر این مادر ممکن است بی نهایت سرد و خشک باشد از ابراز علاقه و تعریف و تمجید خودداری کند رشد و استقلال هوشی و روانشناختی دختر را سرکوب و سرزنش کند و بالاخره ممکن است پسران خود را بر دخترانش ترجیح دهد (چسلر، ۱۳۸۹: ۱۹۲ تا ۱۹۴) پژوهش حاضر با هدف شناخت ویژگی های شخصیتی و ایفای نقش مادری مادران قربانیان تجاوز جنسی در پی پاسخ به این سوال اساسی است: مادران چه نقشی در بزه دیدگی جنسی دختران خود دارند؟ این پژوهش تلاش دارد تا از واقعیتی صحبت کند که در جامعه ما بسیار کم به آن پرداخت شده است و آن تقدس دروغین نقش مادر است در این پژوهش برای مطالعه بهتر، مادران قربانیان را در ۶ گروه دسته بندی کردیم. در مقوله گسست و بحران در نقش مادری، به مادرانی پرداخت شده است که به علت طلاق یا فوت، فرزند خود را ترک کرده اند و در زندگی دختران خود غایب هستند. مسئولیت نداشتن زنان در قبال فرزندان و عدم مجازات آنان در کوتاهی کردن از مسئولیت های مادری موجب می شود برخی از مادران سهل و آسان فرزند خود را ترک کنند و از زیر بار مسئولیت مادری شانه خالی کنند از آنجایی که حضانت فرزندان بر عهده پدر خانواده است در قوانین جامعه مادران فاقد مسئولیت در قبال فرزندان خود هستند و این مسئولیت به پدران سپرده شده است. مشابه چنین یافته هایی در پژوهش کالین دیلی و همکاران (۲۰۰۹) یافت شده است. بالبی در نظریه دلبستگی می گوید: دلبستگی، رابطه عاطفی پایداری است که ویژگی آن گرایش به جستجو و حفظ مجاورت با شخص خاص است در جریان تعاملات مکرری که نوزاد در طی هفته های اولیه تولد با مادر دارد کودک نه تنها کیفیت ویژه نگاره دلبستگی، بلکه کیفیت تجاربی را که در جریان ارتباط با وی کسب نموده درون سازی می کند به اعتقاد بارتالومئو و هووپرتز^۱ بعد دلبستگی اضطرابی بازنماینده مدل ذهنی فرد از خود است این بعد نشان دهنده نگرانی فرد در مورد این است که توسط شرکای ارتباطی اش (والدین بخصوص مادر) رها یا طرد

^۱ . Bartholomew & Horowitz

شود این افراد نسبت به خود دیدگاه منفی ای دارند و به منظور دستیابی به پذیرش و تایید دیگران تمایل شدیدی به برقراری روابط نزدیک و صمیمانه با دیگران دارند بزرگسالانی با این سبک دلبستگی به دلیل احساس عدم شایستگی ای که نسبت به خود تجربه می کنند عمدتاً در جریان روابط صمیمانه شان اضطراب بیشتری را تجربه می کنند و دائماً نگران طرد شدن هستند. وقتی دختران به دلیل جنسشان توسط والدین بخصوص مادر طرد می شوند یا مورد بی توجهی قرار می گیرند این دختران پتانسیل بیشتری در جهت گرایش و ایجاد روابط عاطفی با جنس مخالف پیدا می کنند. در بحث از مادران بی قدرت می توان از نظریه منابع ویلیام گود^۱ استفاده کرد از نظر گود خانواده مانند هر نظام اجتماعی دیگری سلسله مراتبی از اقتدار دارد و هر کس به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد دیگر اعضا را به فعالیت برای اهداف خود مجبور می کند به عبارت دیگر در خانواده قدرت از آن کسی است که نان آور خانواده است از آنجایی که در فرهنگ و قوانین جامعه ما مردان رئیس و نان آور خانواده هستند و زنان را از لحاظ اقتصادی تامین می کنند پس قدرت در درون خانواده در دست مردان است و این امر زنان را به اطاعت آنها و می دارد. تبعیض جنسیتی مادری، ریشه در تبعیض جنسیتی در خانواده دارد در جوامع مردسالار جامعه پذیری افراد جنسیتی است که این امر منجر به تبعیض جنسیتی و نابرابری جنسیتی می شود. فروید^۲ معتقد است هویت جنسی دختران و پسران از طریق همسان سازی با والدین به وجود می آید کودکان، ناهشیارانه با ویژگی های شخصیتی، نگرش ها و ارزش های والدین خود همسان سازی و این ارزش ها را در خورد درون فکری می کنند. در جوامعی که نابرابری جنسیتی وجود دارد خشونت علیه جنس زن مسئله ای عادی است از ویژگی های این نوع جوامع خشونت زنان علیه جنس خودشان است زنانی که خود را جنس دوم دانسته و از جنس خود احساس بیزاری می کنند این مادران بر علیه دختران خود خشونت می کنند در مقوله شکست مادری از مادرانی صحبت می شود که قدرت لازم برای محافظت از دختران خود ندارند در جوامع مردسالار اعتماد به نفس زنان پایین است و وظیفه محافظت از زنان و دختران برعهده مردان خانواده قرار داده شده است در این جوامع ضعف انگاری و وابستگی از ویژگی های بارز جامعه پذیری زنان است و زنان خود را فاقد توانایی در محافظت از خود و فرزندان خود می یابند. این یافته با نتایج پژوهش گرک و همکاران (۲۰۲۱) همسو است در مقوله مادر و بازتولید آسیب های جنسی و عاطفی از مادرانی بحث می شود که وظایف و تکالیف خود را به نحو احسن انجام نمی دهند این یافته با یافته های پژوهش کری و همکاران (۲۰۲۰) همسو می باشد و در مقوله روابط آشفته مادری می توان به عدم اهمیت دختر برای مادر اشاره کرد این مادران خود و نیازهای خود را مقدم بر دختر خود دانسته و در رفع نیازهای خود برمی آیند و راه حلی برای تامین نیازهای جنسی خود نمی یابند این یافته با پژوهش زق رادنی و گامگنز (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

پژوهش حاضر نشان می دهد که مادران قربانیان تجاوز جنسی در ایفای نقش مادری دچار ضعف و تزلزل هستند. این مادران ممکن است حضور فیزیکی یا عاطفی مؤثری در زندگی دخترانشان نداشته باشند، خود دچار سوءرفتار یا ضعف شخصیت باشند، یا نتوانند از دخترانشان محافظت کنند. برخی از این مادران منفعل، بی قدرت یا دارای روابط آزاد جنسی بوده و پسران را بر دختران ترجیح داده اند. این عوامل باعث می شود که دختران الگوی صحیح مادری را نیاموزند و در آینده، هنگام ایفای نقش مادری، دچار بحران شوند. این کاستی ها در نقش مادری، آسیب های فردی و اجتماعی متعددی را بازتولید می کند. مقوله مرکزی این پژوهش با عنوان «چرخه بحران مادری: گسست نقش و زخم های بازتولید» مطرح شده است. تجربیات کودکان با مادرانشان تأثیر عمیقی بر نگرش و احساس آن ها نسبت به خود دارد. مادری که تحت آموزه های مردسالاری رشد کرده، ممکن است نگاه مثبتی به جنس زن نداشته باشد و این نگرش را به دخترش منتقل کند. این چرخه معیوب تا آگاهی و تغییر زنان ادامه خواهد یافت

^۱ . William Good

^۲ . Freud

پژوهش انجام یافته بر اهمیت نقش مادران در زندگی فرزندان، به‌ویژه دختران، تأکید دارد، نقشی که اغلب در جوامع مردسالار نادیده گرفته می‌شود. مادرانی که در نظام‌های نابرابر قدرت سرکوب شده‌اند، ممکن است سرخوردگی خود را به دخترانشان منتقل کنند. این وضعیت که ناشی از نگاه ایدئولوژیک مردسالارانه به جنسیت زنان است، تربیت صحیح و حمایتی مادران را مختل می‌کند. چنین چرخه‌ای منجر به بازتولید آسیب‌های اجتماعی و فردی در نسل‌های آینده می‌شود. تغییر این شرایط نیازمند بازنگری در فرهنگ، گفتمان و قوانین جامعه است تا مادران آگاه و توانمند شوند و از چرخه معیوب مردسالاری عبور کنند.

یافته‌ها و نتایج به دست آمده گویای این واقعیت است که اگر زنان از صحنه گذاشتن بر معیارهای مردسالارانه خودداری کنند و اگر آگاهی یابند که خصومت با همجنسان خود زائیده تفکرات مردسالاری است رها خواهند شد.

و همچنین باز تعریف نقش و جایگاه مادری و اینکه نقش مادری نقشی آموختنی است احساس می‌شود بنابراین در مسیر جامعه‌پذیری این نقش را به دختران بیاموزیم. از طریق ایجاد وضعیت برابر در درون خانواده بین زن و مرد و همچنین حاکم کردن تصمیم‌گیری مشترک در زمینه‌های مهم زندگی می‌توان بر نابرابری جنسیتی غلبه کرد (توزیع برابر قدرت در خانواده و جامعه). موارد یاد شده محقق نمی‌شود مگر اینکه بازاندیشی در نقش‌های مادران با صبغه توانمندسازی آنان مطمح نظر قرار گیرد و این چیزی است که در عصر پرتلاطم امروزی به شدت احساس می‌شود. کلام پایانی، اینکه خشونت جنسی صرفاً یک اتفاق ساده نیست، بلکه فرآیندی است که ریشه در بسترهای ژرفی دارد که می‌توان رد پای آن را در ناهماهنگی بین عوامل ساختاری، نهادی و بین فردی دید. ضعف و ناکارآمدی در هر کدام از حوزه‌های یاد شده، می‌تواند سبب ساز بسیاری از مشکلات خانوادگی در سطوح مختلف گردد.

ماخذ مقاله: مستخرج از پایاننامه کارشناسی ارشد نویسنده سوم با عنوان «فهم تجارب زیسته قربانیان تجاوز جنسی با رویکرد کیفی»، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی/انحرافات*. تهران: انتشارات سمت.
- اعزاز، شهلا (۱۳۸۳). ساختار جامعه و خشونت علیه زنان. *رفاه اجتماعی*، ۴ (۱۴)، ۶۶-۱۱۱.
- اکبری، لیلا و کلانتری هرمزی، آتو سا، و فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۹). واکاوی پدیدار شنا سانه تجارب زیسته زنان قربانی تعرض جنسی شهر تهران. *مطالعات زنان*، ۱۸ (۴)، ۱۶۲-۱۲۷. Doi: 10.22051/Jwsps.2021.34123.2335.
- اعتمادی فرد، سید مهدی و لطفی خاچکی، بهنام، و مهدیزاده، منصوره (۱۳۹۴). تأثیر سرمایه اجتماعی خانوادگی بر انحرافات اجتماعی. *م سائل اجتماعی ایران*، ۶ (۲)، ۲۵-۵.
- جلال پور، شهره و پای فرد، کیانوش، و فلاح، محمد (۱۳۹۷). بررسی جامعه‌پذیری از طریق رسانه‌های نوین در عصر جهانی شدن. *رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی*، ۱۳ (۱)، ۸۵-۹۹.
- چسلر، فیلیس (۱۳۸۹). *زن در برابر زن*. ترجمه ساغر عقلی و فریده همتی. تهران: لیوسا.
- رضوانی، سودابه و مهدوی پور، اعظم، و منیب، عبدالمتین (۱۳۹۹). خشونت جنسی علیه زنان در نظام تقنینی ایران و افغانستان؛ از به ستوه‌آوری جنسی تا تجاوز. *تحقیقات حقوقی*، ۲۳ (۹۱)، ۳۷۵-۳۵۱. Doi: 10.22034/JLR.2020.184836.1588
- ریتزر، جورج (۱۳۹۶). *نظریه جامعه‌شناسی*. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نشر نی.

زراعت پیشه، رویا، شبیری، عباس، نجفی ابرند آبادی، علی حسین، و محمودی جانکی، فیروز (۱۳۹۹). کلیشه های جنسیتی موثر بر وقوع تجاوز جنسی در مولفه های فرهنگ ایرانی. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۹ (۳۲)، ۱۷۷-۱۵۱.

Doi: jclr.2020.45292.1982/10.22054

زرلکی، شهلا (۱۳۸۲). *زنان علیه زنان و جستاری روان شناختی در آثار آلبادسس پدس*. تهران: فرهنگ کاوش.

سفیری، خدیجه و شایسته، سولماز (۱۳۹۴). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با سلامت اجتماعی جوانان. *مددکاری اجتماعی*، ۴ (۳)، ۱۷-۵.

سهراب زاده، مهران، شعاع، صدیقه، موحد، مجید، و نیازی، محسن (۱۳۹۸). تبیین ارتباط از سجام خانواده و ساختار توزیع قدرت در آن (نمونه

موردی زنان متاهل شهر شیراز). *جامعه شناسی نهادهای اجتماعی*، ۶ (۱۴)، ۲۶۱-۲۸۵. Doi: 10.22080/SSI.2020.16736.1620

سرمدی، یاسمن و احمدی، خدابخش (۱۴۰۰). میزان آسیبهای ناشی از خیانت زناشویی زوجین. *خانواده پژوهی*، ۱۷ (۶۵)، ۹۸-۸۱.

<https://doi.org/10.52547/jfr.17.1.81>

ساعی ارس، ایرج و نیک نژاد، زهرا (۱۳۸۹). تحلیل جامعه شناختی خشونت علیه زنان. *علوم رفتاری*، ۲ (۳)، ۱۲۲-۹۷.

صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۹۰). *آسیب شناسی اجتماعی*. تهران: سمت.

علیوردی نیا، اکبر و شارع پور، محمود، و ورزیمار، مهدی (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری. *پژوهش زنان*، ۶ (۲)، ۱۳۲-۱۰۷.

عباس زاده، محمد (۱۳۹۰). تاملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. *جامعه شناسی کاربردی*، ۲۳ (۱)، ۳۴-۱۹.

فاتحی، ابوالقاسم و اخلاصی، ابراهیم (۱۳۹۱). عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: دانش آموزان دختر پیش دانشگاهی شهر شیراز).

برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۴ (۱)، ۱۸۱-۱۴۵. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2013.3305>

فاضل، رضا و سلیمانی، مجید، و رشیدی آل هاشم، رکن الدین (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی خانواده و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر قم).

مطالعات جامعه شناختی ایران، ۱ (۲)، ۱۴۵-۱۸۱.

فرجی ها، محمد و نوبهار، رحیم، و شاه بیگی، ایمان (۱۳۹۸). از تحریم تا تجریم تجاوز جنسی در روابط میان زوجین در پرتو نظریه تنظیم گری

پاسخگو. *پژوهش نامه زنان*، ۱۰ (۳)، ۷۱-۴۷. Doi: 10.30465/ws.2019.4468

فوروارد، سوزان و فریزر گلین، دونا (۱۴۰۰). *مادران سمی*. ترجمه الناز شکرزاده. قم: نگاه آشنا.

قنادی، فاطمه و عبداللهی، محمد حسین (۱۳۹۳). ارتباط ادراک رفتار والدین با طرحواره های ناکارآمد اولیه. *مطالعات روانشناختی بالینی*، ۴ (۱۶)،

۱۵۱-۱۳۹.

قاسمی، زهرا (۱۴۰۰). بررسی نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در خانواده و تبیین عوامل موثر بر آن. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۹ (۱)، ۹۵-

۱۱۷. <https://doi.org/10.22059/Jwdp.2021.310093.1007891>

کیتلسون، مارک (۱۳۹۱). *حقایق درباره تجاوز جنسی*. ترجمه ساسان ودیعه. تهران: بهمن برنا.

مولاوردی، شهیندخت (۱۳۸۵). *کالبد شکافی خشونت علیه زنان*. تهران: حقوقدان.

مهدیه، عارفه و همتی، رضا، و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۹۵). فرآیند جامعه پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری؛ مورد دانشگاه اصفهان. *فصلنامه*

پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۲ (۱)، ۷۳-۴۵.

مهرگان، نادر و دلیری، حسن (۱۳۹۲). بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی در استان های ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۸). *پژوهشهای*

اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۵ (۲)، ۱۳۶-۱۱۷.

مبارکی، محمد و موسوی، سید محسن، و کشمیری، زهرا (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی احساس نابرابری جنسیتی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد

مطالعه: مادران و دختران شهر یزد). *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۳ (۴)، ۱۳۸-۱۶۳.

<https://doi.org/10.22034/Jss.2019.47857>

نازک تبار، حسین و ویسی، رضا (۱۳۸۷). واکاوی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با تحصیل فرزندان. *مدیریت و توسعه*، ۶۸ (۶۹)، ۱۴۹-۱۲۳.

ورزیمار، مهدی (۱۳۸۷). بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی خانواده در بین دانش آموزان سال سوم دبیرستان شهر سمنان. *زریبار*، ۱۲ (۶۵ و ۶۶)،

۱۴۶-۱۳۹.

همتی، رضا و مکتوبیان، مریم (۱۳۹۲). بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در میان کشورهای منتخب خاورمیانه: با تاکید بر جایگاه ایران. پژوهش نامه زنان، ۴ (۲)، ۱۴۲-۱۱۵.

- Akbari, L., Kalantar Hormozi, A., & Farahbakhsh, K. (2021). Phenomenological analysis of the lived experiences of female victims of sexual harassment in Tehran city. *Journal of women studies*, 18 (4), 127-162. Doi: 10.22051/Jwsps.2021.34123.2335 (In Persian)
- Aliverdi Nia, A., sharepur, M., & varmaziar, M. (2008). Family's social capital and delinquency. *Women in development and politics*, 6 (2), 107-132. (In Persian)
- Abbaszade, M. (2011). A reflection on validity and reliability in qualitative research. *Applied sociology*, 23 (1), 19-34. (In Persian)
- Ahmadi, H. (2008). *Sociology of deviations*. Tehran: Samt. (In Persian)
- Chesler, Ph. (2010). *Woman against woman*. Translated by: S. Agili & F. Hemmati. Tehran: Liuosha. (In Persian)
- Colleen Daly, M., Judith, B., Chien-Chung, H., Cassandra, S., & Harold, S. (2009). The role of the mother – child relationship in child sexual abuse. *Rutgers university community repository*. <https://doi.org/doi:10.7282/T3WW7HWN>
- Ezazi, Sh. (2005). Society structure and violence against women. *Social welfare*, 4 (14), 66-111. (In Persian)
- Etemadi Fard, S., Lotfi khachaki, B., & Mehdizade, M. (2015). The effect of family social capital on social deviations. *Iran's social issues*, 6 (2), 5-25. (In Persian)
- Estes, L., & Tidwell, R. (2002). Sexually abused children's behaviours: impact of gender and mother's experience of intra – and extra – familial sexual abuse. *Journal article*, 19, 36-44. <https://doi.org/10.1093/fampra/19.1.36>
- Fatehi, A., & Ekhlasi, E. (2013). Factors affecting social capital: A case study of female pre-university students of Shiraz. *Welfare planning and social development*, 5 (14), 145-182. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2013.3305> (In Persian)
- Farajiha, M., Nobahar, R., & Shahbeigi, I. (2019). From prohibition to criminalization of marital rape in the light of responsive regulation theory. *Women's research*, 10 (29), 47-71. Doi: 10.30465/ws.2019.4468 (In Persian)
- Forward, S., & Frezer galin, D. (2021). *Mothers who can't love*. Translated by: E. Shokrzade. Qom: Negah ashna. (In Persian)
- Fazel, R., Soleimani, M., & Rashidi Al Hashem, R. (2011). Family social capital and factors affecting it (A case study of the city of Qom). *Sociological studies of Iran*, 1 (2), 41-54. (In Persian)
- Ghasemi, Z. (2021). The level of gender inequality between girls and boys in the family and the explanation of the factors affecting it. *Women in development and politics*, 19 (1), 95-117. <https://doi.org/10.22059/Jwdp.2021.310093.1007891> (In Persian)
- Gerke, J., Lipke, K., Fegert, J., & Rassenhofer, M. (2021). Mothers as perpetrators and bystanders of child sexual abuse. *Child abuse & neglect*, 117. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2021.105068>
- Hemmati, R., & Maktoobiyan, M. (2013). A study on gender inequality among the selected middle east countries: With an emphasis on Iran's position. *Women's research*, 4 (8), 115-142. (In Persian)
- Jalalpor, Sh., Pay Fard, K., & Fallah, M. (2018). Examining socialization through new media in the age of globalization. *Research approaches in social sciences*, (13), 85-99. (In Persian)
- Kittelson, M. (2012). *Facts about rape*. Translated by: S. Vadie. Tehran: Bahman Borna. (In Persian)
- Khoori, E., Gholamfarkhani, S., Tatari, M., & Wurtele, S. (2020). Parents as teachers: mothers' roles in sexual abuse prevention education in Gorgan, Iran. *Child abuse & neglect*, 109. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2020.104695>
- Mahdie, A., Hemmati, R., & Veadahir, A. (2016). Academic socialization process of doctoral students in university of Isfahan. *Research and planning in higher education*, 22 (1), 45-73. (In Persian)

Mobaraki, M., Mosavi, S., & Keshmiri, Z. (2020). A comparative study of the feeling of gender inequality and social factors related to it (subject of study: mothers and daughters of Yazd city). *Iranian social studies*, 13 (4), 138-163. <https://doi.org/10.22034/Jss.2019.47857> (In Persian)

Molaverdi, Sh. (2007). *Autopsy of violence against women*. Tehran: Hogogdan. (In Persian)

Mehregan, N., & Daliri, H. (2015). The relationship between social capital and human development in the provinces of Iran. *Economic research*, 15 (2), 117-136. (In Persian)

Nazok Tabar, H., & Vesey, R. (2008). Analyzing the relationship between family social capital and children's education. *Management & development process*, (68-69), 123-149. (In Persian)

Qannadi, F., & Abdollahi, M. (2014). The relationship between perceptions of parental behavior and early maladaptive schemas. *Clinical psychology studies*, 4 (16), 129-151. (In Persian)

Rezvani, S., Mahdavi-poor, A., & Monib, A. (2020). Sexual violence against women in Iran and Afghanistan legal system: from sexual harassment to rape. *Legal research*, 23 (91), 351-375. DOI: 10.22034/JLR.2020.184836.1588 (In Persian)

Ritzer, G. (2017). *Sociological theory*. Translated by: H. Naebi. Tehran: Publication Ney. (In Persian)

Safiri, Kh., & Shayeste, S. (2015). Study of relationships between family social capital and youth's social well-being. *Socialworkmag*, 4 (3), 5-17. (In Persian)

Saei Arsi, E., & Nicnejad, Z. (2010). Sociological analysis of violence against women. *Behavioral sciences*, 2 (3), 97-122. (In Persian)

Seddig Servestani, R. (2011). *Social pathology*. Tehran: samt. (In Persian)

Sohrabzadeh, M., Shooa, S., Movahed, M., & Niazi, M. (2019). The relationship between family solidarity and family power distribution structure: case study of married women in Shiraz. *Sociology of social institutions*, 6 (14), 261-285. DOI: 10.22080/SSI.2020.16736.1620 (In Persian)

Sarmadi, Y., & Ahmadi, Kh. (2021). The extent of injuries caused by marital infidelity. *Family research*, 17 (65), 81-98. <https://doi.org/10.52547/jfr.17.1.81> (In Persian)

Varmaziuar, M. (2009). Investigating the status of family social capital among third year high school students in Sanandaj city. *Zaribar*, 12 (65-66), 129-146. (In Persian)

Zeraatpishe, R., Shiri, A., Najafi Abrandabadi, A., & Mahmoudijanaki, F. (2020). Gender stereotypes affecting rape in the components of Iranian culture. *Criminal law research*, 9 (32), 151-177. DOI: jclr.2020.45292.1982/10.22054 (In Persian)

Zarlaki, Sh. (2003). *Women against women: A psychological essay on the works of Alba deces pedes*. Tehran: Farhng kavoosh. (In Persian)

Zagrodne, J., & Cummings, J. (2016). Impact of perpetrator type on attributions of mother fault in child sexual abuse. *Journal of child sexual abuse*, 25, 827-845. <https://doi.org/10.1080/10538712.2016.1236870>

Zagrodne, J., & Cummings, J. (2017). Qualitatively understanding mother fault after childhood sexual abuse. *Journal of interpersonal violence*, 35. <https://doi.org/10.1177/0886260517723140>